

بازیگری اهل مکاشفه و تجربه



دنیای زنانه‌ای می‌آفرینند، تا به مردانی که خواسته یا ناخواسته به زن نگاهی ایزاری دارند. بقبولانند که قوانین این دنیا را که بی‌شبهت هم به دادگاه نیست، زنان می‌نویسند، زنان اجرامی‌کنند و حکم عفو را هم خودشان صادر می‌کنند.

مستوفی برای بازی در فیلم سینمایی تسویه حساب و فیلم سینمایی گلچهره، خود را به عنوان بهترین بازیگر نقش اول زن به صدر اخبار جشنواره فیلم فجر برساند و کاندیدای بهترین بازیگر نقش اول زن شد، اگر چه موفق به دریافت جایزه نشد اما چیزی از ارزش‌های بازیگری او کم نکرد. او از سال ۱۳۹۱ بازیگری در تئاتر را تجربه کرده و پس از مدتی با بازی در نمایش‌هایی از جمله نویسنده مرده است، خدای کشتار، سقراط، ادیپوس، یک دقیقه و سیزده ثانیه و دروغ، به عنوان یکی از بهترین بازیگران تئاتر تبدیل شد. مستوفی درباره بازیگری در تئاتر معتقد است؛ حسی که در تئاتر و صحنه وجود دارد، به اندازه تلویزیون و سینما نیست. تداوم حس در جلوی دوربین به دلیل برداشته‌های متعدد کار سختی است، اما در دنیای تئاتر وقتی بازیگر وارد صحنه می‌شود آن را مال خود کرده و نفس به نفس، همراه تماشاگر حس خود را تمام و کمال و بی‌واسطه به مخاطب تقدیم می‌کند. اما باید پذیرفت که فیلم روز و صحنه، برای او یک اتفاق بزرگ بود. روز و صحنه با این که اثری سینمایی است، ولی به فضای تئاتر نزدیک بود. هم از جهت متن و هم شیوه اجرا و تمرین‌های بازیگران و صحنه‌هایی که پرده به پرده، و پلان به پلان طراحی می‌شد و این برای لادن مستوفی تداعی‌گر صحنه نمایش است. مستوفی زنی است که فید و بندها را تانمی‌آورد و در صحنه تئاتر شیفته رابطه شهودی و مکاشفه بافضا و مخاطب است، هر دوره از زندگی هنری او با نگاه و رویکردی متفاوت رقم خورده است، چرا که تنفس در فضاهای مختلف هنری را نشانه رشد می‌داند، او اهل مکاشفه و تجربه و معتقد است؛ با همه چیز در زندگی‌اش به صورت حسی ارتباط برقرار می‌کند، با تنهایی‌های خود، با طبیعت و هر اتفاق زیبا و یا آزاردهنده و همین باعث شده که زندگی برایش جریانی ادامه‌دار، پویا و قابل تامل باشد. بزرگترین رویای لادن مستوفی ساخت یک مجموعه درماتی و هنری برای هنرمندان سالمند در سینما است. به امید آن که این رویای شیرین، برای هنرمندان این رشته محقق شود.

سمیه نجفی خاتونی - زمستان با لاپوش‌های سفید و یخ زده‌اش را روی طبیعت زیبای شهرستان تنکابن پهن کرده است، اواخر اسفند است و اهالی روستا به استقبال بهار سرسبز می‌روند، سال ۱۳۵۱ در خانه مستوفی‌ها، شکوفه‌ای که از دل زمستان می‌روید دختر سوم آن‌ها لادن است، او ابتدا در دل پدر خود راجا می‌کند و بعد در صحنه تئاتر و سینما، که خانه دوم اوست، می‌درخشد. لادن مستوفی توسط خواهر بزرگتر خود، لاله مستوفی با بازیگری و صنعت فیلم آشنا شد، او دوست شفیق و رفیق صمیمی پدرش است، و پدر او را بی‌مهابا و نترس بار آورده، خوب یاد گرفته که برای آن چه که دوست دارد می‌تواند از چیزهای دیگر بگذرد، لادن به دنبال عشق و علاقه‌اش به بازیگری، تحصیلات دانشگاهی خود را رها می‌کند، و در سال ۱۳۷۲ وقتی ۲۱ ساله بود وارد صحنه تئاتر می‌شود، تا این که در یکی از اجراهایش در سینما شهر قصه توسط شهرام اسدی (کارگردان) مورد توجه قرار گرفته و در سن ۲۲ سالگی در اولین فیلم خود روز و صحنه، بازی می‌کند، به هنگام بازی در این فیلم، با کارگردان فیلم، شهرام اسدی آشنا می‌شود و این آشنایی منجر به ازدواج آن‌ها می‌شود. لادن مستوفی و همسرش مکمل یک دیگر شدند و در بسیاری از فیلم‌هایی که همسر وی کارگردانی آن را برعهده دارد، بازی می‌کند. در عرصه تصویر در آثار زیادی نقش پر دازی کرده که از آن میان می‌توان به دختری بنام تندر، فیلمی به کارگردانی و نویسندگی حمیدرضا آشتیانی پور، که در سال ۱۳۷۹ ساخته شده، اشاره کرد، لادن مستوفی در این فیلم سینمایی بازی متفاوتی را از خودش ارائه داد و خوش درخشید. او در این فیلم نقش دختری به نام آذر را بازی می‌کند که دوست ندارد دختر باشد و نسبت به جنسیت خود معترض است پس می‌کوشد تا خود را شبیه پسران دریاورد هم چنین در سال ۱۳۸۰ با سریال دوران سرکشی به کارگردانی کمال تبریزی وارد قاب تلویزیون شد. دوران سرکشی داستان دختری فراری به نام رهاک است که با کمک بهزیستی قصد دارد به زندگی عادی بازگردد. این سریال به بررسی مشکلات اجتماعی و رفتاری بلوغ در دختران می‌پردازد. لادن مستوفی با نقش آفرینی‌های متفاوت خود در سینما و تلویزیون مورد اقبال مخاطب قرار گرفت و در فیلم تسویه حساب نقش زنی جسور به نام زیبا را ایفا می‌کند، که با همکاری سه زن دیگر، برای مدتی کوتاه



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران خیابان آیت الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰۲۲۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

بگو عبدالله؛ حقیقت را چگونه یافتی؟

جوان نصرانی که به عشق راحله، اسلام آورده، یک روز پیش از واقعه عاشورا، در روز عروسی‌اش، آوایی در سرش می‌پیچد که کمک می‌خواهد. عبدالله پی‌آوا، از مراسم عروسی بیرون می‌زند و راه کوفه پیش می‌گیرد و به تاخت از بیابان می‌گذرد. در این سفر ماجراهایی از سر می‌گذراند و ساعتی پس از واقعه عاشورا به کربلا می‌رسد. سال‌های زیادی از بخش فیلم روز واقعه می‌گذرد، اما هنوز این سوال با نگاهی پر امتداد از نقش راحله، که به سوی عبدالله نشانه می‌رود در گوش می‌پیچد، و در تکان‌های پرچم‌های سرخ و سبز گم می‌شود. برآستی که راحله، همان طور که لادن مستوفی درباره این نقش می‌گوید از نقش‌هایی است که در آن میزان احساس بازیگر در جای درست و به اندازه خرج شد. راحله برای مادر سکوت معنی پیدا می‌کند، در نگاه مضطرب و بی‌قراری، که پس از سال‌ها انتظار، در روزی که قرار است عروس همیشگی خانه شبلی نصرانی یا همان عبدالله تازه مسلمان شود، او را راهی کربلا می‌کند. او بدون نقش پر دازی و دیالوگ پر دازی غلوشده، در حضوری محو در کل اثر حس می‌شود، راحله‌ای که عبدالله از اومی‌گریزد. اما همیشه هست، با چشم‌هایی عشقی که در بی‌عدالتی و خشم، به عزای می‌گراند. و با موسیقی بی‌تظیر مجید لنتظامی که بزم و رزم و عزای به یکدیگر پیوند و نمایش آن کامل می‌شود، روز واقعه بدون نشان دادن اصل اتفاقات کربلا، توانست درون مایه نهضت حسین بن علی، را بلندتر از نمونه‌های دیگر فریاد بزند و بسیار هنرمندانه‌تر به این قیام تاریخ ساز پرداخت، عبدالله به میدان شهر می‌آید و روایت خود را این گونه از کربلا برای مردم بازگویی می‌کند: «او به بالاترین جایی رسید که بشری رسیده، همه حجت من از مسلمانی حسین بن علی است. من حقیقت را در زنجیر دیدم من حقیقت را پاره پاره در خاک دیدم من حقیقت را بر سر نیزه دیدم، من حقیقت را...» با وجود این که فیلم را شهرام اسدی تازه کار ساخته است، اما موسیقی، ریتم، آکسسوار و بازی‌ها در آن خیره کننده‌اند.



شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir